

گزارش‌های تاریخی حکایت دارند که خاندان عبدالله بن جعفر به بازپس گرفتن این سرزمین موفق شدند و تاروزگار مأمون عباسی از آن استفاده می‌کردند. هنگامی که مأمون به قدرت رسید (حك: ۱۹۸-۲۱۸ق.) و ماجرای این سرزمین را شنید، عوض آن را به ایشان پرداخت و آن سرزمین را از دست نوادگان عبدالله بن جعفر بیرون آورد و به حالت وقف بازگرداند.^۱ امروز به این منطقه ینبع النخل می‌گویند. این نام بر سرزمین پهناور و بی‌ساکن آن جا اطلاق می‌شود.^۲

◀ منابع

الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدال موجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ المدینة المنوره: ابن شبه (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ السروض الانف: السهیلی (م. ۵۸۱ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق؛ الروض المعطار:

۱. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰؛ الروض المعطار، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۲. المعالم الاثیره، ص ۵۰.

محمد بن عبدالمنعم الحمیری (م. ۹۰۰ق.)، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۴م؛ السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ المعالم الاثیره: محمد محمد حسن شراب، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم قبائل العرب: عمر کخاله، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

سید علی حسین پور



بقاع بقیع ← بقیع، بارگاه‌ها

بقعه حمزه ← حمزه، بقعه

بقعه عقیل ← خانه عقیل

بقیع: بافضیلت‌ترین قبرستان مدینه

بقیع از ریشه بَقِعَ به زمینی گفته می‌شود که با زمین‌های مجاور متفاوت باشد و نیز زمینی که درختانش یا ریشه آن‌ها به صورت پراکنده

بقیع برشمرده‌اند.^{۱۰} اما به عقیده گروهی دیگر، این محل جایی جز بقیع و نزدیک چاه ابی‌ایوب در مدینه است.^{۱۱}

در دوره‌های بعد که در پیرامون مدینه دیوارهایی برای پاسداری از شهر کشیده شد، بقیع همچنان بیرون از حصار شهر بود.^{۱۲} نام‌گذاری یکی از دروازه‌های مدینه به نام بقیع، به علت نزدیکی این در به قبرستان بقیع بود.^{۱۳} همچنین یکی از درهای مسجدالنبی نیز به باب‌البقیع مشهور است.^{۱۴}

بقیع مسیر دسترسی به قبایل یهودی‌نشین^{۱۵} و مجاور گورستان یهودیان^{۱۶} و قبیله بنی‌قریظه بوده است.^{۱۷} منابع از «یوم‌البقیع» به عنوان زمان یکی از جنگ‌های خونین میان دو قبیله اوس و خزرج در این منطقه یاد کرده‌اند.^{۱۸}

◀ **سیر شکل‌گیری و تحول بقیع:** با هجرت پیامبر به مدینه و گسترش این شهر، تعیین قبرستانی برای دفن اموات مسلمانان ضرورت یافت. از این رو، پیامبر ﷺ در پی

در آن وجود داشته باشد.^۱ در منابع اسلامی به قبرستان مشهور مدینه بقیع گفته می‌شود که به علت رویش درختان خاردار عَرَقَد در آن، با نام «بقیع‌الغرقد» نیز خوانده شده است.^۲ افزون بر درختان غرقد، وجود چشمه‌سار و شوره‌گزهایی نیز در آن گزارش شده است. همچنین آورده‌اند که پشه‌های این قطعه از زمین چنان فراوان بود که هنگام غروب آفتاب، همچون دودی غلیظ به نظر می‌رسید.^۳ مکان‌های گوناگون در مدینه و پیرامون آن بقیع خوانده شده که از آن جمله می‌توان به بقیع الخیل (بازاری در مدینه)،^۴ بقیع الزبیر (منطقه‌ای در مدینه)،^۵ بقیع الخبجه،^۶ بقیع المصلی (محل برگزاری نمازهای عید در غرب مدینه)،^۷ بقیع بَطْحان (وادی‌ای در مدینه)،^۸ و بقیع الخضامات (دهی نزدیک مدینه) اشاره کرد.^۹

برخی بقیع‌الخبجه یعنی محل رویش درختان خبجه را به عنوان نام دیگر قبرستان

۱۰. الطبقات، ج ۳، ص ۳۰۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۹۰.
 ۱۱. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۶۵.
 ۱۲. معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۲؛ المسالك و الممالک، ص ۱۸.
 ۱۳. احسن التقاسیم، ص ۸۲؛ امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۶۲۷.
 ۱۴. احسن التقاسیم، ص ۸۲؛ نزهة المشتاق، ص ۱۴۳.
 ۱۵. الطبقات، ج ۳، ص ۳۴۱؛ سبل الهدی، ج ۵، ص ۲۲.
 ۱۶. تاریخنامه طبری، ج ۵، ص ۱۳۹۸.
 ۱۷. الطبقات، ج ۳، ص ۲۴۱.
 ۱۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۷؛ الكامل، ج ۱، ص ۶۷۳.

۱. العین، ج ۱، ص ۱۸۴، «بقیع».
 ۲. العین، ج ۱، ص ۱۸۴؛ النهایه، ج ۱، ص ۱۴۶، «بقیع».
 ۳. الطبقات، ج ۳، ص ۳۰۳.
 ۴. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۳۰۶.
 ۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۴.
 ۶. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۶۶؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۴۳.
 ۷. معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۲.
 ۸. الطبقات، ج ۴، ص ۸۰؛ معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۵۸.
 ۹. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۶۶؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۰۲.

بازدید از مناطق گوناگون مدینه، بقیع را که در فاصله‌ای اندک از جنوب شرقی مسجد نبوی و در مسیر باب جبرئیل مسجد قرار داشت^۱، برگزید و فرمود: «من به این مکان فرمان یافته‌ام.»^۲ از زمان این رویداد گزارشی در دست نیست؛ ولی با توجه به هنگام وفات اسعد بن زراره خزرگی در شوال سال اول ق. و دفن او در بقیع، شاید بتوان تعیین بقیع به عنوان قبرستان مسلمانان را به سال اول ق. و پس از بنای مسجد و یا هم‌زمان با آن دانست.^۳ برخی نویسندگان به قرینه مرثیه عمرو بن نعمان بیاضی، تاریخ دفن مردگان در بقیع را پیش از اسلام یاد کرده و گفته‌اند که با ظهور اسلام این آرامگاه به مسلمانان اختصاص یافت.^۴

در این دوره، بقیع پر از درختان غرقده بود. از این رو، اصحاب برای دفن مردگان خود برخی درختان را قطع می‌کردند.^۵ پس از دفن عثمان بن مظعون^۶ جمعی در ذی‌حجه سال دوم ق. و تأکید پیامبر بر مقام و جایگاه او^۷، مسلمانان برای دفن مردگان خود در بقیع ترغیب شدند. با وفات ابراهیم، فرزند پیامبر، به

سال دهم ق. و دفن وی نزدیک قبر عثمان بن مظعون، اقبال اصحاب بیشتر شد و قبایل گوناگون مدینه نیز قسمت‌هایی از بقیع را برای دفن مردگان خود اختصاص دادند و درختان آن را قطع کردند. بدین سان، بقیع شکل قبرستانی با مقبره‌های خانوادگی یافت.^۸ دفن فاطمه بنت اسد مادر علی رضی الله عنه، عباس عموی پیامبر^۹ و نیز امامان شیعه^{۱۰} در خانه عقیل بن ابی طالب که در غرب بقیع و در منطقه میان بقیع و مسجد قرار داشت، بیانگر آن است که مسلمانان همچنان مردگان خود را بیرون از قبرستان بقیع و در خانه‌های خود دفن می‌کردند؛ با مرگ عثمان بن عفان، از دفن وی در بقیع پیشگیری شد. به ناچار او در حش کوكب^{۱۱}، بستانی کنار ضلع جنوب شرقی بقیع، که محل دفن یهودیان بود، دفن گشت.^{۱۲} به گزارشی، معاویه در فرمانی به مروان بن حکم، او را مأمور الحاق حش کوكب به قبرستان کرد.^{۱۳} ابن عساکر که گرایش اموی دارد، خرید و الحاق حش کوكب به بقیع را به عثمان نسبت داده^{۱۴} و ابن شبه این الحاق را بدون یاد کردن از نام معاویه، به بنی‌امیه نسبت

۱. بقیع الغرقده، ص ۳۴.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۳۰۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۸۹-۱۹۰.

۳. الطبقات، ج ۳، ص ۴۵۹؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۰۰.

۴. معالم مكة و المدینه، ص ۴۲۰.

۵. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۵.

۷. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۳.

۸. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.

۹. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵.

۱۰. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۱۲؛ تاریخ المدینه، ج ۴، ص ۱۲۴۱.

۱۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۷.

۱۲. تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۵۲۰.

پیوست و مساحت بقیع به ۱۵۰۰۰ متر مربع (۱۵۰ × ۱۰۰ متر) افزایش یافت.^۸ به سال ۱۳۸۵ ق. قطعه‌ای مثلث شکل در شمال بقیع که متعلق به شهرداری بود، با مساحت ۱۶۱۲ متر مربع افزوده شد.^۹ با گسترش دوم سعودی، مساحت بقیع به ۱۸۰۰۰۰ متر مربع افزایش یافت.^{۱۰}

بقیع اکنون در شرق مسجدالنبی و تقریباً در فاصله ۱۰۰ متری آن و وسط شهر مدینه قرار دارد. خیابان‌های ستین، عبدالعزیز و ابوذر آن را در بر گرفته‌اند و خیابان باب العوالی از آن آغاز می‌شود.^{۱۱} (تصویر شماره ۱۲)

◀ **فضیلت و اهمیت بقیع:** از پیامبر ﷺ گزارش شده که به وی امر شد تا برای اهل بقیع آموزش بخواهد و بر آن‌ها درود فرستد.^{۱۲} در روایتی دیگر از وی آمده که هفتاد هزار تن با صفات نیکو از بقیع محشور می‌شوند.^{۱۳} بر پایه گزارشی دیگر، او بشارت داد که کسانی که در بقیع دفن شوند، مورد شفاعت یا گواهی وی قرار خواهند گرفت.^{۱۴} پیامبر هر شب

داده است.^۱ این مکان بعدها به آرامگاه بنی‌امیه تبدیل شد. بر پایه گزارشی، هنگام وفات ابو سعید خدری به سال ۷۴ ق. هنوز در بقیع که در آن هنگام افزون بر وسعت دوران پیامبر، حش کوب هم به آن پیوسته بود، جای خالی یافت می‌شد؛ زیرا بر پایه وصیت ابوسعید، او را در دورترین نقطه بقیع که کسی دفن نشده بود، به خاک سپردند.^۲ (تصویر شماره ۱۱)

به تدریج خانه‌هایی که برخی صحابه در بقیع یا زمین‌های میان بقیع و مسجدالنبی ساخته بودند و برخی از آن‌ها به صورت آرامگاه خانوادگی درآمده بود، همچون خانه‌های عقیل بن ابی‌طالب^۳، محمد بن حنفیه^۴ و ابن افلاح^۵ به قبرستان افزوده شد. از زمان دقیق این گسترش‌ها گزارشی در دست نیست؛ خانه‌ها و کوچه‌هایی که به تدریج بقیع العمات (محل دفن عمه‌های پیامبر) را از قبرستان بقیع جدا کرده بودند، به سال ۱۳۷۳ ق. ویران شدند. این بخش به مساحت تقریبی ۳۵۰۰ متر مربع و نیز کوچه میان آن‌ها که زقاق العمات نام داشت، با مساحت ۸۲۴ متر مربع به بقیع

۸. بقیع الغرقه، ص ۳۵-۳۶؛ معالم مکه و المدینه، ص ۴۲۰.
 ۹. فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۷۳؛ معالم مکه و المدینه، ص ۴۲۰.
 ۱۰. المجموعه المصوره، ج ۳، ص ۴۶۱.
 ۱۱. آثار اسلامی، ص ۳۲۲.
 ۱۲. الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۱؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۷۷.
 ۱۳. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۸۹-۹۰؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۷۹.
 ۱۴. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۷.

۱. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۳.
 ۲. البدايه و النهايه، ج ۹، ص ۴؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۱۱.
 ۳. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۷.
 ۴. الطبقات، ج ۴، ص ۳۳.
 ۵. الطبقات، ج ۵، ص ۸۳.
 ۶. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۸۷؛ مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۲.
 ۷. بقیع الغرقه، ص ۳۶.

جمعه به بقیع می‌رفت و برای اموات بقیع طلب آمرزش می‌کرد.^۱ گزارش‌هایی بسیار از حضور پیامبر و سخنان^۲ و نمازهای او از جمله نماز استسقاء^۳ و نماز عید^۴ در بقیع حکایت دارند. پیامبر در واپسین سال زندگانی خود از سوی خداوند دوبار مأمور شد تا به بقیع رود و برای اموات بقیع طلب آمرزش کند. در دومین حضور، در حالی که مریض بود، همراه با حضرت علی علیه السلام و فضل بن عباس و گروهی از صحابه به بقیع رفت و اموات را با عباراتی خطاب نمود و از وفات خود خبر داد.^۵

بر پایه گزارش برخی منابع، حضرت فاطمه دخت گرامی پیامبر پس از رحلت پدر بزرگوارش هر روز با دیده گریان به بقیع می‌رفت و در بیت الاحزان به سوگواری برای او می‌پرداخت.^۶ محل نماز خواندن حضرت زهرا در مسجدی در بقیع مشخص بوده است.^۷ بقیع مورد توجه اهل بیت علیهم السلام نیز بوده و گزارش‌هایی از زیارت بقیع از جانب اهل بیت در منابع یاد شده است.^۸ همچنین برخی منابع

کراماتی از امامان را که در بقیع ظهور یافته، ثبت کرده‌اند.^۹ دانشورانی بسیار از شیعه^{۱۰} و سنی^{۱۱} به استحباب زیارت بقیع فتوا داده‌اند؛ اهمیت بقیع نزد مسلمانان به گونه‌ای بود که برخی با صرف هزینه‌های بسیار، به رغم نبود امکانات، جنازه عزیزانشان را برای دفن در بقیع از دورترین نقاط جهان اسلام بدان جا منتقل می‌کردند. از آن جمله می‌توان به انتقال جنازه امیر چوپان^{*} به بقیع اشاره کرد.^{۱۲}

با توجه به تأکیدهای پیامبر، زیارت قبور بقیع در طول تاریخ اسلام همواره مورد اهتمام مسلمانان بوده و حاکمان نیز به آن توجه نشان داده‌اند. در دوره امویان، حش کوكب به بقیع پیوست و سنگی که به دست پیامبر بر قبر عثمان بن مظعون قرار داده شده بود، به قبر عثمان بن عفان انتقال یافت.^{۱۳} نخستین گنبد بر حرم امامان بقیع و قبر عباس بن عبدالمطلب به دست مجدالملک براوستانی^{*}، وزیر برکیارق سلجوقی (حك: ۴۸۶-۴۹۸ق.) ساخته شد.^{۱۴} در سال ۵۱۹ق. به دست مسترشد بالله (حك: ۴۸۵-۵۲۹ق.) و میان سال‌های ۶۲۳-۶۴۰ق. به

۱. کامل الزیارات، ص ۵۳۰.

۲. تفسیر فوات الکوفی، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۴۳۵-۴۳۶.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۴۶۰؛ التهذیب، ج ۳، ص ۱۲۹.

۵. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۳.

۶. رحلة ابن جبير، ص ۱۵۵.

۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷.

۸. البداية و النهایه، ج ۸، ص ۲۲۸؛ القاب الرسول، ص ۵۸.

۹. الناقب، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۸۵.

۱۰. المهذب، ج ۱، ص ۲۸۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۰؛ الرسائل

العشر، ص ۲۷۲.

۱۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۱.

۱۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۱۳. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۸-۹۹.

۱۴. الکامل، ج ۸، ص ۲۱۴.

خداوند رحمتان کند.»^۷ در گزارشی دیگر، پیامبر اموات بقیع را با این عبارت خطاب نمود: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مَنْ فِيهَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، دَارِ قَوْمٍ مَيِّبِينَ، وَإِنَّا فِي آثَارِهِمْ - أَوْ قَالَ - فِي آثَارِكُمْ لِلْآحِقُونَ»؛ «سلام بر مسلمانان از این سرزمین و بر کسانی که در خانه‌های مردگان مسکن دارند و ما نیز پس از آنان روانیم»^۸.

عایشه از حضور شبانه پیامبر در بقیع و آموزش خواهی برای اموات آن گزارش داده است. آن گاه که وی چگونگی زیارت بقیع را از پیامبر جویا شد، او در جواب فرمود: «قولي: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْآحِقُونَ»^۹؛ «بگو: سلام بر اهل سرزمین از مؤمنان و مسلمانان. خداوند رحمت کند پیشی گیرندگان بر ما و کسانی را که پس از ما خواهند آمد. ما به خواست خدا به شما خواهیم پیوست».

برای زیارت امامان بقیع آداب و زیارتنامه ویژه روایت شده است.^{۱۰} ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ و نیز فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرالمؤمنین دارای زیارتنامه‌های ویژه هستند.^{۱۱}

دست مستنصر بالله (حك: ۶۲۳-۶۴۰ ق.) تعمیراتی در آن انجام گرفت.^۱ فاطمیان نیز به ساخت قبه و بارگاهی بر قبر اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام پرداختند.^۲ بر پایه گفته رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ ق.) مردم مدینه هر پنجشنبه به زیارت اهل قبور بقیع می‌رفتند و بر قبرها دسته‌های ریحان و بر کنار آن‌ها شاخه‌های گل می‌چیدند. شیعیان برای زیارت قبور امامان بقیع باید پنج فروش به نگهبانان می‌دادند.^۳ گویا پول ستاندن از شیعیان برای زیارت بقیع پیش از آن نیز مرسوم بوده است. محمد ولی میرزا به سال ۱۲۶۰ ق. از پرداخت مبلغی برای زیارت امامان بقیع گزارش داده است.^۴

آداب و کیفیت زیارت بقیع: از جمله آداب زیارت بقیع، به غسل نمودن^۵ و خواندن هشت رکعت نماز زیارت (برای هر امام دو رکعت) اشاره شده است.^۶

عباراتی از پیامبر ﷺ در زیارت اهل بقیع گزارش شده است؛ از جمله: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ وَرَحِمَكُمُ اللَّهُ»؛ «سلام بر شما اهل قبور»

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۸۰.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۱، ص ۶۲.

۵. التهذیب، ج ۶، ص ۷۹؛ المقنعه، ص ۴۷۵؛ المختصر النافع، ص ۹۸.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۹۴.

۷. کامل الزیارات، ص ۵۳۰.

۸. المصنف، عبدالرزاق، ج ۲، ص ۵۷۴.

۹. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۴.

۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۹؛ المقنعه، ص ۴۷۵-۴۷۶.

۱۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۱۷-۲۱۹.

◀ شیوه دفن در قبرستان بقیع:

پیامبر ﷺ پس از دفن عثمان بن مظعون، سنگی را بالای قبرش گذاشت تا قبرش شناخته شود و دیگر مسلمانان کنار او دفن شوند.^۱ این سنگ بزرگ تا هنگام حکمرانی مروان بر مدینه وجود داشت. او این سنگ را به گوشه‌ای پرتاب کرد تا قبر عثمان بن مظعون مشخص نباشد.^۲

پیامبر ﷺ فرزندش ابراهیم را همانند عثمان دفن کرد و بدن او را در لحد با آجر پوشاند و پس از دفن، بر آن آب پاشید و بالای قبرش ایستاد و بر او سلام داد.^۳

در بقیع مردگان با فاصله بسیار از یکدیگر دفن می‌شدند و قبر مردان با يك سنگ در بالای سر و قبر زنان با دو سنگ در بالا و پایین مشخص می‌شد.^۴ بر سنگ مزارهای بقیع مطالبی نیز نگاشته می‌شد که از آن جمله می‌توان به برخی ابیات شاعر تونسوی ابوالبرکات سعدی (م. ۷۳۴ق.) اشاره کرد:

حضرنا مسجد الهادي الشفيع

وجئنا لندفن بالبقيع

إذا كان قبري في البقيع بطيهه

فلا شك أني في حي صاحب القبر

نبي الهدى المبعوث من آل هاشم

عليه صلاة الله في السر والجهه^۵ به پیشگاه راهنمای شفاعتگر آمدیم تا در بقیع دفن شویم. اگر قبرم در بقیع در مدینه باشد، بی تردید در حمایت پیامبر هستم؛ پیامبری که از خاندان هاشم مبعوث شد و درود خداوند در نهان و آشکار بر او باد!

◀ مدفونان بقیع: گزارش‌ها از اسعد بن

زراره^{*} خزرجی^۶ یا عثمان بن مظعون قرشی صحابی مشهور^۷ به عنوان نخستین مدفون در بقیع یاد کرده‌اند. ابن شهبه، اسعد را نخستین انصاری و عثمان را نخستین مهاجر مدفون در بقیع دانسته است.^۸ بقیع آرامگاه برخی امامان شیعه، گروهی از صحابه رسول خدا، تابعان، دانشوران و سادات است که از آن جمله‌اند:

▼ ۱. اهل بیت و بستگان رسول خدا ﷺ:

امام حسن مجتبیٰ (ع)، امام علی بن حسین زین العابدین (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) همراه فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع) و عباس عموی پیامبر^{۱۰} که روبه‌روی در ورودی اصلی بقیع به سوی

۵. التحفة اللطيفة، ج ۱، ص ۲۰۶.

۶. النقات، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۸۶.

۷. المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۲۶۴؛ معجم البلدان، ج ۴،

ص ۴۷۱؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۰۲.

۸. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۶، ۱۰۲.

۹. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۵، ۹۵.

۱۰. الطبقات، ج ۴، ص ۲۴؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۵.

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۹؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.

۴. آثار اسلامی، ص ۳۳۲.

عثمان بن عفان^{۱۲}، سعد بن ابی وقاص^{۱۳}، سعد بن معاذ^{۱۴}، عبدالله بن مسعود^{۱۵}، کلثوم بن هدم^{۱۶}، خنیس بن حذافه^{۱۷}، مقداد بن عمرو^{۱۸} و نیز برخی شهدای اُحد (ق.۳)^{۱۹} از جمله صحابه مدفون در بقیع هستند.

۳.۷. علما، سران و شخصیت‌های

اسلامی: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق) رئیس مذهب مالکی^{۲۰}، محمد بن علی بن ابی منصور مشهور به جمال الدین جواد اصفهانی* (م. ۵۵۹ق.) وزیر زنگیان موصل و شام^{۲۱}، ابوشجاع ظهیرالدین (م. ۴۸۸ق.)^{۲۲} و وزیر آل بویه و نویسنده ذیل تجارب الامم، سمهودی (م. ۹۱۱ق.) مؤلف وفاء الوفاء^{۲۳}، ابوالفضل شهاب الدین نویری از مجاوران بیت الله الحرام که در مدینه وفات یافت^{۲۴}، جعفر بن حسن برزنجی

جنوب در سمت راست دفن شده‌اند.^۱ دختران رسول خدا زینب^۲، رقیه^۳ و ام کلثوم^۴ در برابر در اصلی با اندک فاصله‌ای از آن دفن شده‌اند. عقیل بن ابی طالب^۵، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب^۶، حلیمه سعیدیه دایه رسول خدا^۷ و صفیه عمه پیامبر^۸ نیز از مدفونان بقیع هستند.

با وجود شهرت دفن عاتکه عمه دیگر پیامبر در بقیع^۹ منابع تاریخی گزارشی در این زمینه ارائه نداده‌اند. ام سلمه، حفصه، زینب بنت جحش، زینب بنت خزیمه، صفیه بنت حی، عایشه بنت ابی بکر، و ماریه قبطیه از همسران پیامبر در شمال قبور دختران پیامبر در فاصله هشت متری سمت راست دفن شده‌اند.^{۱۰}

۳.۷. صحابه و تابعین: ابوسعید خُدَری^{۱۱}

۱۲. اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۹۱؛ الاصابه، ج ۴، ص ۳۷۹؛ الاعلام، ج ۴، ص ۲۱۰.
۱۳. الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۱۰؛ البداية و النهايه، ج ۸، ص ۷۸.
۱۴. المنتظم، ج ۳، ص ۲۴۷.
۱۵. الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۹۴.
۱۶. سبل الهدی، ج ۱۲، ص ۵۳.
۱۷. الطبقات، ج ۳، ص ۳۰۰.
۱۸. الثقات، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۹. المغازی، ج ۱، ص ۳۱۲.
۲۰. المعارف، ص ۴۹۸-۴۹۹؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.
۲۱. وفيات الاعيان، ج ۵، ص ۱۴۳.
۲۲. سير اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۰؛ البداية و النهايه، ج ۱۲، ص ۱۵۰.
۲۳. عیقات الانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.
۲۴. التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۱۱۴.

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۶.
۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۳۰؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۵۱.
۳. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۹-۱۸۴۰؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۴. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۹-۱۸۴۱؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸-۱۳۹.
۵. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۶؛ تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۲۵۰.
۶. الغارات، ص ۶۹۴؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۷.
۷. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۳؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۶۷-۶۸؛ ج ۸، ص ۸۷.
۸. اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۷۲-۱۷۳.
۹. فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۷۰.
۱۰. الطبقات، ج ۸، ص ۳۷.
۱۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۹۹.

(م. ۱۳۱۷ق.) مؤلف مولد النبی^۱، عبدالقادر بن توفیق شلبی (م. ۱۳۶۹ق.) رئیس حنفیان مدینه^۲ و سید محمد تقی طالقانی* (م. ۱۳۷۶ق.) نماینده آیت الله بروجردی در مدینه^۳ از جمله مدفونان بقیع به شمار می‌روند.

◀ **بقعه‌های بقیع:** به تدریج بر برخی از قبور بقیع، گنبدها و نشانه‌هایی ساخته شد. ابن شبه به گزارش از ابن زباله (م. ۲۰۰ق.) از وجود مسجدی بر قبر عباس بن عبدالمطلب و امامان شیعه خبر می‌دهد.^۴ سفرنامه نویسانی چون ابن جیبر (م. ۶۱۲ق.)^۵، ابن نجار (م. ۶۴۳ق.)^۶ و ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.)^۷ نیز از این آثار یاد کرده‌اند. از جمله این گنبدها و نشانه‌ها می‌توان به گنبدی بر قبور امامان چهارگانه علی، فاطمه، حسین و زین العابدین و نیز سنگی بر قبر فاطمه بنت اسد و امامان بقیع با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله مبیّد الأمم و محیی الرمم هذا قبر فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم سیده نساء العالمین و قبر الحسن بن علی بن ابی طالب و علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و محمد بن علی و جعفر بن محمد

رضی الله عنهم^۸ و نیز گنبد قبرهای عثمان بن عفان^۹، عقیل بن ابی طالب^{۱۰}، قبور همسران پیامبر^{۱۱}، عبدالله بن جعفر طیار^{۱۲}، ابراهیم فرزند رسول خدا^{۱۳} و همچنین گنبد قبر امیر چوپان از امیران ایلخانی^{۱۴} اشاره کرد.

◀ **تخریب بقیع:** با قدرت گرفتن وهابیان در عربستان که زیارت قبور را شرک و وجود بقعه‌ها و ضریح در پیرامون قبور را از مظاهر شرک می‌دانند، رویکرد به بقیع و دیگر زیارتگاه‌ها دچار تحول شد؛ در سال ۱۲۲۰ق. مدینه به محاصره نیروهای وهابی درآمد. پس از تسلیم شدن شهر، سعود بن عبدالعزيز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی، دستور ویران کردن همه گنبدهای بقیع را صادر کرد.^{۱۵} با توجه به موج اعتراض مسلمانان کشورهای اسلامی به اهانت‌های سعودیان، دولت عثمانی که تمایل به بازپس گرفتن حرمین داشت، لشکری انبوه برای تصرف مدینه فرستاد و در ذی حجه ۱۲۲۷ق. آن شهر را بازپس گرفت. برخی از آن بقعه‌ها

۸. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵؛ التنبیه و الاشراف، ص ۲۶۰.
 ۹. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.
 ۱۰. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.
 ۱۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱.
 ۱۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲، ۱۰۱.
 ۱۳. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.
 ۱۴. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.
 ۱۵. من اخبار الحجاز و النجد، ص ۱۰۴؛ البقیع قصة التدمیر، ص ۸۴.

۱. الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۷۷؛ الذریعه، ج ۵، ص ۲۱-۲۲.
 ۲. الاعلام، ج ۴، ص ۳۸.
 ۳. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۶۶.
 ۴. تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.
 ۵. رحلة ابن جیبر، ص ۱۵۵.
 ۶. اخبار مدینه الرسول، ص ۱۵۳.
 ۷. رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۱.

در سال ۱۲۳۴ق. به دستور سلطان محمود ثانی (حك: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق.) بازسازی شد.^۱ اما با حمله دیگر بار وهابیان به سال ۱۳۴۴ق. همه آثار تاریخی این قبرستان به فتوای شیخ عبدالله بلیهد، قاضی القضاة سعودی، به بهانه شرك و بدعت بودن زیارت قبور در هشتم شوال این سال ویران شد.^۲

این بار نیز ویرانی بقیع واکنش‌های بسیاری را میان مسلمانان جهان برانگیخت. دولت ایران روز ۱۶ صفر سال ۱۳۴۴ق. را به مناسبت هتك حرمت به بقیع، عزای عمومی اعلان کرد و آیت الله مدرس به تلاش‌هایی برخاست و مجلس ایران کمیسیونی را برای بررسی موضوع تشکیل داد. مسلمانان در کشورهای چوچند، پاکستان و نیز کشورهای استقلال یافته شوروی سابق با برپایی تجمعات و ارسال پیام به این اقدام اعتراض کردند. دولت سعودی برای پیشگیری از خشم مسلمانان و توجیه کارهای خود، نمایندگان دولت‌های مسلمان را به مکه فراخواند. از ایران هیأتی مرکب از غفار خان جلال‌السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، و حبیب الله خان هویدا در تاریخ ۱۳۰۴/۶/۲۴ق. وارد جده شد. با ترفندهای دولت سعودی و عدم پیگیری جدی از سوی مقام‌های کشورهای اسلامی، این

۱. پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۶.

۲. البقیع قصة التدمیر، ص ۱۱۳-۱۳۹؛ بقیع العرقده، ص ۴۹.

قضیه مسکوت ماند.^۳

پس از گذشت حدود ۴۰ سال از این حادثه، حکومت سعودی پس از تلاش‌ها و پیگیری‌های شیعیان عراق به رهبری شیخ کاشف الغطاء و پیگیری‌های امیر اعلم، سفیر ایران در حجاز، سائبانی کنار این مقابر مطهر ساخت و راهی سنگچین برای عبور و مرور افراد در بقیع ایجاد کرد.^۴ نیز دیوار بقیع در دوران ملک فهد بن عبدالعزیز به شکلی زیبا بازسازی گشت و سپس در سال‌های ۱۴۱۸-۱۴۱۹ق. مسیرهای درون بقیع برای رفت و آمد زائران سنگفرش شد.^۵

◀ **وضعیت کنونی بقیع:** بقیع دارای سه در است که یکی از آن‌ها در دیوار شرقی و دیگری در دیوار شمالی و در سوم در سمت غرب آن قرار دارد. در سمت غرب، در اصلی است و برای ورود جنازه و زائران بقیع باز می‌شود.^۶

در دوره‌های گذشته نیز زیارت بقیع با مشکلاتی همراه بود و زائران شیعی برای دریافت اجازه زیارت ناچار به پرداخت باج به دربانان و مأموران بودند؛ اما زیارت قبور بقیع

۳. نک: تخریب و بازسازی بقیع، ص ۴۱-۶۰.

۴. اسناد روابط ایران و عربستان، ص ۲۴۸-۲۶۰؛ نک: تخریب و بازسازی بقیع، ص ۹۸-۱۴۷.

۵. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۲۲.

۶. التاريخ الامین، ص ۳۵۶.

می توان به این موارد اشاره کرد: *البقیع قصة تدمیر آل سعود للآثار الاسلامیه فی الحجاز*، یوسف الهاجری؛ *بقیع العرقده*، مهندس حاتم عمر طه و دکتر محمد انور البکری؛ *البقیع العرقده*، سید محمد حسینی شیرازی؛ *تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد*، سید علی قاضی عسکر.

◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ ش؛ *احسن التقاسیم: المقدسی البشاری* (م. ۳۸۰ ق.)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ ق؛ *ارشاد القلوب: حسن بن محمد السدیلمی* (م. ۸۴۱ ق.)، قم، الرضی، ۱۴۱۲ ق؛ *الارشاد: المفید* (م. ۱۳ ق.)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ ق؛ *الاستیعاب: ابن عبدالبر* (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق؛ *اسد الغابه: ابن اثیر* (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق؛ *الاصابه: ابن حجر العسقلانی* (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالوجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ *الاعلام: الزرکلی* (م. ۳۹۶ ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷ م؛ *امتاع الاسماع: المقریزی* (م. ۸۴۵ ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق؛ *بحار الانوار: المجلسی* (م. ۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ *البدایة و النهایة: ابن کثیر* (م. ۷۷۴ ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ *بقیع العرقده: محمد امین الامینی*، مشعر، ۱۳۸۶ ش؛ *پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان*، تهران، نشر علم، ۱۳۸۶ ش؛ *تاریخ بلعمی (تاریخنامه طبری):*

با ممنوعیت کلی روبه‌رو نبود. اکنون درهای بقیع در ساعات ویژه از روز (بعد از نماز صبح و پس از نماز عصر حدود دو ساعت) گشوده می‌شود و زائران مرد می‌توانند به درون بقیع روند و زیارت کنند. با وجود برخی گزارش‌ها از حضور حضرت فاطمه علیها السلام در بقیع در روزگار پیامبر و هنگام تدفین رقیه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز تداوم زیارت بقیع از جانب زنان در دوره‌های گوناگون که در سفرنامه‌ها بازتاب یافته^۱، آل سعود به پشتوانه احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله ورود زنان به بقیع را ممنوع می‌شمرند و حتی هنگام ورود مردان، از گرد آمدن زنان پشت دیوارهای بقیع پیشگیری می‌کنند.^۲ اداره‌ای مشهور به اداره امر به معروف و نهی از منکر نزدیک در اصلی بقیع مستقر شده است که از نزدیکی زائران به قبور و تبرک‌جستن به آن‌ها پیشگیری می‌نماید و به تبلیغ باورهای وهابیان می‌پردازد.^۳

◀ تک‌نگاری‌ها درباره بقیع: با توجه به

اهمیت و فضیلت بقیع، برخی محققان تک‌نگاری‌هایی را در موضوع بقیع به رشته نگارش درآورده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۷۵۰-۷۵۱؛ سفرنامه منظوم حج، ص ۷۰-۷۱.

۳. حج ۲۶، ص ۳۵۹.

۴. با کاروان صفا، ص ۱۳۵-۱۳۷.

بلعمی (م. ۳۲۵ق.)، به کوشش روشن، سروش، ۱۳۷۸ش. و البرز، ۱۳۷۳ش؛ تاریخ حرم ائمه بقیع: محمد صادق نجمی، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۹ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ المدینه المنوره: ابن شیبّه (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التحفة اللطیفة: شمس الدین السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تفسیر فرات الکوفی: الفرات الکوفی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش؛ التنبیه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ الثاقب فی المناقب: ابن حمزه (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش علوان، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق؛ خلاصة عبقات الانوار: علی الحسینی الميلانی، تهران، بعثت، ۱۴۰۵ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ رحلة ابن جبیر: محمد بن احمد (م. ۱۴ق.)، بیروت، دار مکتبة الهلال، ۱۹۸۶م؛ الرسائل العشر: ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش رجایی، قم، مکتبة النجفی، ۱۴۰۹ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی

محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۸۹۰ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۵۶۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ صحیح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ الغارات: ابراهیم الثقفی الکوفی (م. ۲۸۳ق.)، به کوشش المحدث، بهمن، ۱۳۵۵ش؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ فصول من تاریخ المدینه المنوره: علی حافظ، جدّه، المدینه، ۱۴۰۵ق؛ القاب الرسول (ص) و عترته: بعض المحدثین و المورخین (م. قرن ۴ق.)، مکتبة النجفی، ۱۴۰۶ق؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کامل الزیارات: ابن قولویه القمی (م. ۳۶۸ق.)، به کوشش القیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ کنز العمال: المتقی الهندی (م. ۹۷۵ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ کنی و اللقب: شیخ عباس القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، تهران، مکتبة الصدر، ۱۳۶۸ش؛

بلعمی (م. ۳۲۵ق.)، به کوشش روشن، سروش، ۱۳۷۸ش. و البرز، ۱۳۷۳ش؛ تاریخ حرم ائمه بقیع: محمد صادق نجمی، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۹ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ المدینه المنوره: ابن شیبّه (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التحفة اللطیفة: شمس الدین السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تفسیر فرات الکوفی: الفرات الکوفی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش؛ التنبیه و الاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ الثاقب فی المناقب: ابن حمزه (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش علوان، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق؛ خلاصة عبقات الانوار: علی الحسینی الميلانی، تهران، بعثت، ۱۴۰۵ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ رحلة ابن جبیر: محمد بن احمد (م. ۱۴ق.)، بیروت، دار مکتبة الهلال، ۱۹۸۶م؛ الرسائل العشر: ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش رجایی، قم، مکتبة النجفی، ۱۴۰۹ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی

المجموعة المصورة لأشهر معالم المدينة المنورة: عبدالعزيز كعكي، المدينة، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق؛ المختصر النافع: المحقق الحلی (م. ۷۶ق)، چاپ (م. ۷۶ق)، تهران، البعثه، ۱۴۱۰ق؛ مرآة الحرمين: ابراهيم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق)، به كوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ المسالك و الممالك: ابراهيم الفارسی الاضطخري (م. ۳۴۶ق)، به كوشش الحسينی، وزارة الثقافة و الارشاد، ۱۳۸۱ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاكم النیشابوری (م. ۴۰۵ق)، به كوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المصنّف: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ق)، به كوشش سعید محمد، دار الفكر، ۱۴۰۹ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق)، به كوشش حبيب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ معالم مكة و المدينه بين الماضی و الحاضر: يوسف رغد العالمی، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۱۸ق؛ معجم البلدان: ياقوت الحموی (م. ۲۶ق)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم ما استعجم: عبدالله البكري (م. ۴۸۷ق)، به كوشش السقاء، بیروت، عالم الكتب، ۱۴۰۳ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق)، به كوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ مقاتل الطالبیین: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق)، به كوشش سيد احمد صقر، بیروت، دار المعرفه؛ المقننه: المفید (م. ۴۱۳ق)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۰ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به كوشش غفاری، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۴ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق)، به كوشش محمد عبدالقادر و

دیگران، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، چاپ سنگی؛ المهذب: القاضي ابن البراج (م. ۴۸۱ق)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۶ق؛ نزهة المشتاق: شريف الادريسی (م. ۵۶۰ق)، بیروت، عالم الكتب، ۱۴۰۹ق؛ النهايه: مبارك ابن اثير (م. ۶۰۶ق)، به كوشش الزاوی و الطناحي، قم، اسماعيلیان، ۱۳۶۷ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق)، به كوشش محمد عبدالحميد، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وفيات الاعيان: ابن خلكان (م. ۸۱۱ق)، به كوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

گروه جغرافيا



بقیع، بارگاهها: بناهای ساخته شده بر

قبور امامان و بزرگان در قبرستان بقیع

بقعه از «ب - ق - ع» در لغت به معنای قسمتی از زمین است که از نقاط همجوارش متمایز باشد.^۱ همچنین بر صومعه، زیارتگاه، مقبره، و مزار امامان دین و بزرگان^۲ و اتاقلک گرداگرد مزار ایشان^۳ اطلاق شده است. بقیع* از همین ریشه و نام مشهورترین قبرستان مسلمانان است که در جنوب شرقی

۱. العین، ج ۱، ص ۱۸۴؛ المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۱۹۵؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۰۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۸۱، «بقعه».

۲. لغتنامه، ج ۳، ص ۴۲۵۶، «بقعه».

۳. فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۵۶، «بقعه».